

طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی

یاسمن سادات اصل احمدی

دانشجوی دکتری دانشگاه گیلان، رشت، ایران

yasaman77yasaman@gmail.com

حمیدرضا گوهر رستمی

دانشیار دانشگاه گیلان، رشت، ایران

هدف: هدف از اجرای این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی با تکنیک فراترکیب از انواع روش‌های فرا مطالعه است. لیکن در این پژوهش در بخش نخست؛ به تحلیل تأثیر جایگاه آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی می‌پردازد در بخش دوم با استفاده از راهبرد به کارگیری نرم‌افزار مکس کیودا به این پرسش پاسخ داده می‌شود.

روش پژوهشی: در پژوهش حاضر با به کارگیری رویکرد مرور سیستماتیک و فراترکیب کیفی، به تحلیل نتایج و یافته‌های محققین قبلی پرداخته و با انجام گام‌های هفتگانه روش ساندوسکی و باروسو، مدل مفهومی عوامل مؤثر آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی دسته‌بندی شده است انتخاب و در نهایت پس از خوانش و بررسی، ۱۸ مقاله گزینش شد.

یافته‌ها: بر اساس کدگذاری سه مرحله‌ای در نرم‌افزار MAXQDA این عوامل در ۳ مقوله اصلی و ۱۰ زیر مقوله و ۷۹ کد محوری تحلیل و دسته‌بندی شدند که پس از کمی سازی آن‌ها در غالب نمودار درصدی بازنمایی شدند. به منظور سنجش پایایی و کنترل کیفیت مطالعه حاضر از روش کاپا استفاده شد. ضریب کاپا محاسبه شده به وسیله نرم‌افزار SPSS ۲۲ برابر ۰/۸۱ بوده که در سطح توافق عالی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد عوامل مؤثر آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی شامل؛ عوامل محیطی؛ عوامل ساختاری و عوامل زمینه‌ای بودند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای متولیان تصمیم گیران کلان حوزه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، فراترکیب، عوامل محیطی، عوامل زمینه‌ای، عوامل سازمانی

۱. مقدمه

از مهم‌ترین موضوعاتی که محیط‌های آموزشی از آن طریق می‌تواند بر جامعه تأثیر بگذارد، نقشی است که بر اقتصاد کشور می‌گذارد. چند سالی است مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی توسعه در کشور مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی الگویی است که در شرایط فشار و تحریم نیز می‌تواند پیشرفت کشور را تضمین کند در این راستا رهبر انقلاب اسلامی به مردم مسئولان و تمامی نهادها توصیه می‌کند که باید در همه حوزه‌ها، موضوع اقتصاد مقاومتی را سرلوحه کار خود قرار دهند و در این زمینه حوزه آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش کشور، به عنوان حوزه‌هایی بسیار تأثیرگذار و مهم در رشد و پرورش، افراد نقش انکارناپذیری دارند و از اهمیت بالایی برخوردارند (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱).

علم اقتصاد، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که نزدیک به دو قرن از عمر آن می‌گذرد. اقتصاد ترجمه انگلیسی کلمه (Economy) است که ریشه لغوی آن از دو کلمه یونانی ایکو (Oiko) یعنی اموال و نومو (Nomo) به معنای اداره تشکیل شده است. تا اواسط قرن هجدهم که علم اقتصاد در مراحل ابتدایی بود این علم را ترکیبی از مباحث سیاسی، اخلاقی، فلسفه و منطق می‌دانستند و فلسفه‌دانان یونانی مانند ارسطو و افلاطون معتقد بودند علم اقتصاد هنر مدیریت خانواده است و با استفاده از آن می‌توان مدیریت امور اقتصادی را به خوبی انجام داد (عدل طباطبایی، ۱۳۴۵). در ادبیات اقتصاد مقاومتی رایج در جهان اصطلاحی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی وجود ندارد، اما واژه نزدیک به مفهوم اقتصاد مقاومتی اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی و فنریت اقتصادی است که به معنای توان یک کشور به ایستادگی در برابر شوک‌های خارجی است (بريجاگلو و استیفن^۱، ۲۰۱۱). در حقیقت اقتصاد مقاومتی، تأکید بر کاهش وابستگی‌ها و توجه بر روی مزیت تولیدهای داخلی همچنین تلاش برای رسیدن به خوداتکایی را مدنظر و در دستور کار خود قرار داده است (دهقان پور و دهقانی زاده، ۱۳۹۳). علاوه بر این وان برجیک و همکاران^۲ (۲۰۱۷) اقتصاد مقاومتی ایستا را توانایی برای حفظ عملکرد بدون نیاز به بازسازی و اقتصاد مقاومتی پویا را تغییر بهبود سریع پس از ایجاد شوک اقتصادی تعریف می‌کند لذا داشتن اقتصاد پویا رو به رشد، باثبات و کارایی بالا که

1. Briguglio, L. & Stephen

2. van Bergeijet al.

بتواند رفاه و آسایش را برای مردم فراهم کند از اهداف اصلی هر کشوری است. فراک^۱ (۲۰۱۳) بیان می‌کند که اقتصاد مقاومتی پنج رکن اساسی دارد که عبارت‌اند از عدالت اجتماعی، عزت و اقتدار اقتصادی، رشد و آبادانی استقلال و اقتدار در عرصه علم و فناوری و ناهمسویی منافع جامعه با منافع قدرت‌های بزرگ اقتصادی است.

توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم تمام کشورها است و با اهداف مختلف در کشورهای درحال توسعه یا پیشرفته صنعتی که در کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم بکار می‌رود و در کشورهای درحال توسعه از یک سو به معنای کاهش یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم به سطحی است که کشورهای توسعه یافته از آن بهره‌مند هستند. آدام اسمیت یا پدر علم اقتصاد معتقد بود که افراد از طریق آموزش توانا تر می‌شوند و این توانایی موجب می‌شود هم خودشان و هم جامعه‌شان به درآمد بیشتری دست یابند. از نظر او آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری در آن‌هاست؛ زیرا کسب دانش مستلزم صرف هزینه‌هایی است و این هزینه‌ها همانند سرمایه هستند. آموزش افراد موجب کشف و بارور شدن استعداد های نهفته در آن‌ها می‌شود. افراد آموزش دیده همچون سرمایه‌هایی هستند که قدرت تولیدشان افزایش یافته و به بهره‌وری بیشتر می‌رسند (اسمیت، ۱۳۵۷). تئودور شولتز^۲ یا پدر نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی هم آموزش را نوعی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌ی انسانی را جزئی از مفهوم عمومی سرمایه و آن را در کنار سرمایه‌ی مادی و مکمل آن برمی‌شمرد (اسچولدز^۳، ۱۹۶۰). نکته مشترک اندیشمندان علم اقتصاد آن است که معتقدند آموزش توانایی‌های فردی را ارتقا می‌دهد و بهره‌وری نیروی کار را زیاد می‌کند. آموزش از یک طرف قدرت تولید افراد را زیاد می‌کند و از سوی دیگر توانایی آن‌ها را در دستیابی به درآمد افزایش می‌دهد. آموزش حتی زمینه‌ی توزیع عادلانه‌تر درآمدها را ممکن می‌سازد. آموزش بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و در او ارزش‌ها و نگرش‌های مثبتی را ایجاد می‌کند.

یکی از نهادهای اصلی تعلیم و تربیت آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد؛ عبارت است از سرمایه‌گذاری انسانی و مادی و سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی نسل بالغ و فعال

1. Frauke. D. W

2. Theodore Schultz

3. Schultz, T. W

جامعه به منظور آماده ساختن نسل کودک و نوجوان برای اداره فردای جامعه است. آموزش و پرورش را می توان در معنای وسیع تر نیز چنین تعریف کرد که آموزش و پرورش، انتقال سنت ها و آداب و رفتار و مهارت و فرهنگ یک جامعه به افراد و اعضای جوان تر است (حاضری و همکاران، ۱۳۶۷). آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش ها و طرز تلقی های افراد می شود و این خود تأثیری مستقیم بر وضعیت اقتصادی دارد. غالب تحقیقات حاکی از آن است که رشد اقتصادی با بهبود آموزش عمومی و باسوادی مردم ارتباط دارد، آموزش های شغلی و حرفه ای همراه با تجارب ضمن خدمت نیز در کار آیی شغلی و پیشرفت اقتصادی مؤثرند و به هر صورت نوع سیستم آموزش و اهداف و برنامه ها و امکانات آن نیز در میزان رشد اقتصادی کاملاً مؤثر است. آنچه مسلم است آموزش و پرورش بادنش آموزان هر جامعه تعامل مستقیم دارد. دانش آموزان نیز به عنوان سرمایه های انسانی فردای جامعه وظایفی در قبال حمایت از اقتصاد مقاومتی دارند. با توجه به جمعیت نزدیک به ۱۴ میلیون نفری دانش آموزان آن ها می توانند با آموزش و نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی در ذهن و رفتارشان در تبیین الگو یا استفاده از کالای ایرانی و اصلاح فرهنگ بیگانه تأثیر بسزایی داشته باشند انصاری (۱۳۹۳) دانش آموزان به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه های کشور می توانند فضای بانشاطی را برای تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی ایجاد کنند و به عنوان نسل پویا گام اول را در اقتصاد خانواده ها بردارند تجربه استفاده از دانش آموزان به عنوان همیار پلیس در چند سال اخیر خود گواه روشنی بر این موضوع است که آنان می توانند سخن اثرگذاری در بین خانواده و سطح عمومی جامعه در جهت ایجاد رغبت به استفاده و بهره مندی از تولید داخلی داشته باشند. دانش آموزان قادرند خانواده خود را در خرید اسباب بازی، پوشاک و وسایل ورزشی و به طور کلی مایحتاج روزمره زندگی هدایت و رهبری کنند؛ به شرطی که قبل از آن پیام معلم در آنان کارساز بوده باشد دانش آموز می تواند فرهنگ برتر شناخته شدن کالاهای خارجی را در برابر تولیدات ملی از بین ببرد و رغبت افراد خانواده و دوستان خود را به وسایل خارجی کمرنگ کند و عبارت ساخت ایران توسط دانش آموزان در خانواده ها ترویج داده شود. در همین راستا، سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران که مبنی بر آرمانه ای بلند نظام اسلامی و معطوف به چشم انداز افق ۱۴۰۴ است جایگاه اول علمی و فناوری را در سطح منطقه برای آموزش و پرورش کشور ترسیم کرده است. در این سند با توجه به چشم انداز مشخص شده برای مدرسه در افق ۱۴۰۴ مبنی بر نقطه اتکای

دولت و ملت در رشد تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله و نقش آفرینی در انتخاب آگاهانه، عقلانی مسئولانه و اختیاری فرایند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان و نیز با استناد به ماده‌های هفت و هشت و فصل هفتم، مینی برافزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت و افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش آموزان در رشد و تعالی کشور به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی ضروری است برای نهادهای سازای اقتصاد مقاومتی و اعتلای آن در کشور، به نظام آموزش و پرورش کشور نگاه ویژه‌ای داشته باشیم (آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

در دهه‌های گذشته، در اقتصاد؛ عوامل سنتی تولید مانند سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل اصلی رشد جوامع تلقی می‌شدند؛ اما با پیدایش نظریه سرمایه انسانی و توجه به نقش آموزش در ظرفیت‌سازی مولد در افراد و بازتاب آن در سطح فردی و اجتماعی به عنوان سرمایه‌گذاری با چالش‌ها و انتقادات فراوانی مواجه شد و این مجادله، ریشه طولانی در میان پژوهشگران دارد. از جمله این انتقادات؛ می‌توان به نظریات رقیب (فیلتر، سرنده و علامت دهنده‌گی) اشاره کرد. برای حل این مناقشه و دوسویه انگاری، باید به شواهد تجربی و علمی رجوع کرد تا مشخص گردد. آیا آموزش به رشد اقتصادی منتج می‌گردد یا خیر؟ دهه‌های پیش (رامر^۱، ۱۹۸۶) به این نتیجه دست یافت که با ارتقا سطح متوسط دانش نیروی انسانی، میزان بهره‌وری آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این یافته دعوی برای دیگر پژوهشگران برای کاوش در این قلمرو بود (تامارا^۲، ۱۹۹۱). نکته قابل توجه این است که ارتباط بین آموزش و رشد اقتصادی؛ دربرگیرنده ابعاد مختلفی است و اینکه چه ابعادی در تحلیل‌های تجربی ناظر بر ارزیابی رابطه مذکور است، بیش از هر چیز به نحوه سنجش دو متغیر آموزش و توسعه اقتصادی، دسترسی به داده‌های آماری و همچنین قابلیت‌های فی نظری الگوهای رشد وابسته است. چراکه الگوهای رشد به ما کمک می‌کنند علل و عوامل توسعه اقتصادی را شناسایی و نحوه تأثیرگذاری هر کدام از آن‌ها بر رشد را مشخص سازیم از این رو، آنچه مهم انگاشته می‌شود؛ این است که همواره به نقش آموزش بر توسعه اقتصادی پرداخته شود در حالی که با توجه به اهمیت موضوع پژوهش‌های دانشگاهی از این حیث مغفول مانده‌اند. چراکه هر

1. Romer, P.M.

2. Tamura, R.

یک به سهم خود می‌توانند نقش کلیدی در توسعه و تحولات اجتماعی اقتصادی ایفا کنند. شواهد زیادی مبنی بر اثر مثبت محیط آموزشی بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف وجود دارد (مرکان و سزار^۱، ۲۰۱۴). آنچه مهم است همگن نبودن یافته‌های تأثیر آموزش بر رشد اقتصادی در مطالعات است؛ از این رو چنین تصور می‌شود که این تأثیر متأثر از عوامل متعددی است و ریشه آن را باید در تفاوت در اندازه‌گیری‌ها و ویژگی‌های تحصیلی، مدل‌های به کار گرفته شده و نوع داده‌ها و افزون بر این‌ها کیفیت آموزش قلمرو مکانی که پژوهش در آن انجام شده است جستجو کرد (بنوس و زتوس^۲، ۲۰۱۴). نکته قابل توجه این است که ارتباط بین آموزش و توسعه اقتصادی؛ دربرگیرنده ابعاد مختلفی است و اینکه چه ابعادی در تحلیل‌های تجربی ناظر بر ارزیابی رابطه مذکور است، بیش از هر چیز به نحوه سنجش دو متغیر آموزش و رشد اقتصادی، دسترسی به داده‌های آماری و همچنین قابلیت‌های فی نظری الگوهای رشد وابسته است. چراکه الگوهای رشد به ما کمک می‌کنند علل و عوامل رشد اقتصادی را شناسایی و نحوه تأثیرگذاری هر کدام از آن‌ها بر رشد را مشخص سازیم از این رو، آنچه مهم انگاشته می‌شود؛ این است که همواره به نقش آموزش بر توسعه اقتصادی اهمیت داده شود.

نکته حائز اهمیت آن است که پرورش در آموزش هم مستتر است و نیاز به طرح مجدد آن در جوار آموزش نیست؛ اما در فرهنگ فارسی این دو واژه از گذشته در کنار هم قرار داشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر بجای دو واژه فوق کلمات آموزش و پژوهش در کنار هم قرار آموزش از گذشته تا حال به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی اثرگذار در تحقق اهداف، فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی نقش مؤثری ایفا کرده است. امروزه فعالیت‌های تحقیق و توسعه، بستر اولیه و اساسی برای انتقال از اقتصاد منابع محور به سمت اقتصاد دانش محور در کشورهای جهان به شمار می‌آید و زمینه شکل‌گیری فعالیت‌های دانش محور و پژوهش محور را فراهم می‌کند شکاف علمی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز بر اساس سهم تحقیق و توسعه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی اجتماعی و سیاسی آن‌ها سنجیده می‌شود نگرش علمی به مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منشأ تحقیق و توسعه است و راهگشای بسیاری از مشکلات در این زمینه‌ها خواهد بود

1. Mercan, M., & Sezer, S
2. Benos, N., & Zotou, S.

کشوری که در حال اجرای برنامه‌های توسعه است به نیروی کار آموزش دیده و متخصص نیاز دارد و وظیفه‌ی سیستم آموزش کشور کشف استعدادهای جوانان و بارور نمودن آنهاست. به این جهت علت موفقیت انقلاب صنعتی در کشورهای غربی را ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی می‌دانند؛ زیرا این مراکز بودجه‌ی لازم را در اختیار افراد قرار می‌دهند آنها نیز به دستاوردهای عظیم علمی و فناوری دست می‌یابند و بدین ترتیب گامی بزرگ در اقتصاد جامعه‌ی خود برمی‌دارند. کشورهای در حال توسعه بایستی نه تنها به نظام آموزشی خود توجه بیشتری نمایند و بودجه بیشتری به این امر اختصاص دهند بلکه باید به نهادینه کردن پژوهش همت گمارند تا به توسعه در زمان مناسب نائل شوند اغلب نظریه پردازان نظریه توسعه انسانی بر این عقیده‌اند که آموزش گام نخست در برنامه‌ریزی توسعه نیروی انسانی است پایه و اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. بر این اساس توجه به تأثیر محیط آموزشی بر توسعه اقتصادی بسیار مهم به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر نیز در همین راستا، با استفاده از روش فراترکیب به بررسی اثر محیط آموزشی بر توسعه اقتصادی در قالب مدل پیشنهادی به صورت منسجم و یکپارچه می‌پردازد. لیکن در این پژوهش در بخش نخست؛ به تحلیل تأثیر جایگاه آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی می‌پردازد در بخش دوم با استفاده از راهبرد به کارگیری نرم افزار مکس کیودا به این پرسش پاسخ داده می‌شود که مطالعات انجام شده در قلمرو تأثیر آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی را از نظر کیفی می‌توان به چند دسته و زیر مقوله اصلی دسته‌بندی کرد؟

۲. روش پژوهشی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل در گروه تحقیقات کیفی قرار گرفته و به روش فراترکیب انجام شده است. پژوهش کیفی رویکردی برای کشف و درک معنایی است که افراد یا گروه‌ها به یک مسئله اجتماعی یا بشری نسبت می‌دهند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل پژوهش‌های پیشین فارسی و خارجی در زمینه آموزش و پرورش و رشد اقتصادی بین سال‌های (۱۹۹-۲۰۱۸) (۱۳۹۷-۱۳۸۵) است بر این اساس از راهبرد فراترکیب هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۶) استفاده شده است.

1. Sandelowski & Barroso

مرحله اول تنظیم سؤال پژوهش است؛ لذا برای پاسخ به پرسش پژوهش، مطالعات انجام شده در قلمرو تحقیقات دانشگاهی و رشد اقتصادی را از نظر کیفی می‌توان به چند دسته زیر مقوله و مقوله اصلی دسته‌بندی کرد؟ از روش فراترکیب استفاده شده است بنابراین با تحلیل محتوای مطالعات انجام شده در قلمرو تحقیقات دانشگاهی و رشد اقتصادی؛ مفاهیم کلیدی زیر مقوله‌ها و مقوله اصلی آن‌ها استخراج و دسته‌بندی شد.

جدول ۱. پرسش‌های پژوهش

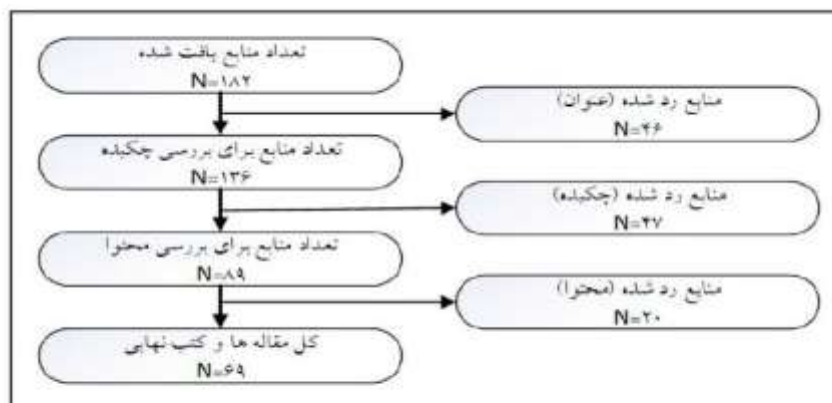
پارامتر	سؤال‌های پژوهش
چه چیزی	عوامل مختلف آموزش و پرورش برای توسعه اقتصادی چیست؟
جامعه	جامعه مورد مطالعه برای دستیابی به این جوانب چیست؟
چه وقت	عوامل اثرگذار مربوط به چه دوره زمانی بررسی و جستجو شده است؟
چگونه	چه روش برای فراهم کردن مطالعات استفاده است؟

مرحله دوم بررسی نظام‌مند متون؛ در این مرحله از پژوهش مقالات منتشر شده در پایگاه‌های داده مجلات و موتورهای جستجوی مختلف بین سال‌های (۲۰۱۸-۱۹۹۹) (۱۳۹۷-۱۳۸۵) بررسی شدند و در جستجوی مقالات از واژه‌های کلیدی مرتبط با پژوهش حاضر استفاده شد که واژه‌های کلیدی استفاده شده و پایگاه داده‌ها در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. واژه‌های کلیدی و پایگاه داده‌ها

واژه‌های کلیدی	پایگاه داده‌ها
توسعه اقتصادی-فراترکیب-رشد اقتصادی - عوامل محیطی-عوامل زمینه‌ای-عوامل سازمانی- اقتصاد مقاومتی-پژوهش‌های دانشگاهی-علم اقتصاد-آموزش و پرورش-محیط آموزشی	Emerald, ERIC, sciencedirect, GoogleScholar, Ensani civilca, PubMed, NoorMags, magiran, SID

مرحله سوم جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب؛ بر اساس نتایج اولیه حاصل از جستجو، تعداد ۴۸ مقاله شناسایی شد و برای انتخاب مقالات مناسب بر اساس الگوریتم نشان داده شده در شکل (۱) پارامترهای مختلف، عنوان چکیده محتوا و کیفیت روش پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند در نتیجه ارزیابی و پالایه نهایی؛ ۱۸ مقاله گزینش شدند.



شکل ۱. نمودار روند نما برای انتخاب آثار مناسب برای تحلیل

مرحله چهارم و پنجم استخراج اطلاعات مندرج در مقاله ها و تجزیه و تحلیل و تلفیق یافته ها؛ در این مرحله از روش کار مقاله ها بر اساس موضوع مطالعه دسته بندی شدند، همچنین روش مطالعه و یافته های آن ها نیز بیان شده است.

مرحله ششم کنترل کیفیت؛ پژوهشگر تلاش نمود که مراحل انجام پژوهش به طور دقیق و صحیح دنبال و انجام شود و به خصوص در جستجو و شناسایی منابع، منابع شناسایی شده مرتبط با اقتصاد تحقیقات و رشد اقتصادی به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفته و تجزیه و تحلیل شوند به علاوه در مرحله تجزیه و تحلیل و استخراج، مفاهیم پژوهشگر پس از اینکه مفاهیم مرتبط را استخراج و در مقوله های مختلف دسته بندی نمود، فرآیند کدگذاری و شناسایی مفاهیم را مجدداً انجام داده تا اشکالات و سوگیری های احتمالی به حداقل برسد. به عبارت دیگر در این گام کیفیت مقوله ها و کدهای استخراجی از مراحل قبل مورد ارزیابی قرار می گیرد. در این راستا به ارزیابی پایایی کدهای استخراجی با روش ضریب کاپا کوهن پرداخته شده است. همچنین ضمن تنظیم پرسشنامه خبره مبنای، به ارزیابی اعتبار محتوایی کدهای استخراجی مبتنی بر شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) پرداخته شده است.

ارزیابی پایایی کدهای استخراجی

در این پژوهش جهت ارزیابی پایایی، نتایج در اختیار یکی از خبرگان قرار گرفته است تا به وسیله شاخص کاپا، پایایی کدهای استخراجی مورد بررسی قرار گیرد. جدول (۲) معرف جدول توافقی

میان کدینگ یکی از خبرگان و نگارنده در خصوص یکی از متون است. با توجه به عدد معناداری (۰/۰۰۰) و مقدار کاپا (۰/۸۱۲)، پایایی کدهای استخراجی موردپذیرش قرار می‌گیرد. لازم به یادآوری است که از ضریب کاپا تحت عنوان ملاک ارزیابی پایایی درونی نیز یاد می‌شود. پژوهشگران بر این باورند چنانچه این ضریب از ۰/۶۰ بالاتر باشد، این ضریب مقدار خوبی رادار است. همچنین ضریب معناداری کمتر از ۰/۵ گویای وجود رابطه کدگذاری میان دو سند بررسی شده است.

جدول ۳. محاسبه ضریب کاپا برای کدگذاری مقوله‌ها

برآورد ضریب کاپا					
مقدار	انحراف استاندارد	آماره آزمون T ^۲	سطح معناداری		
۰/۸۱۲	۰/۱۴۸	۵/۲۷۳	۰/۰۰۰	ضریب توافق	کاپا
۸۲				تعداد	

مرحله هفتم ارائه یافته‌ها است.

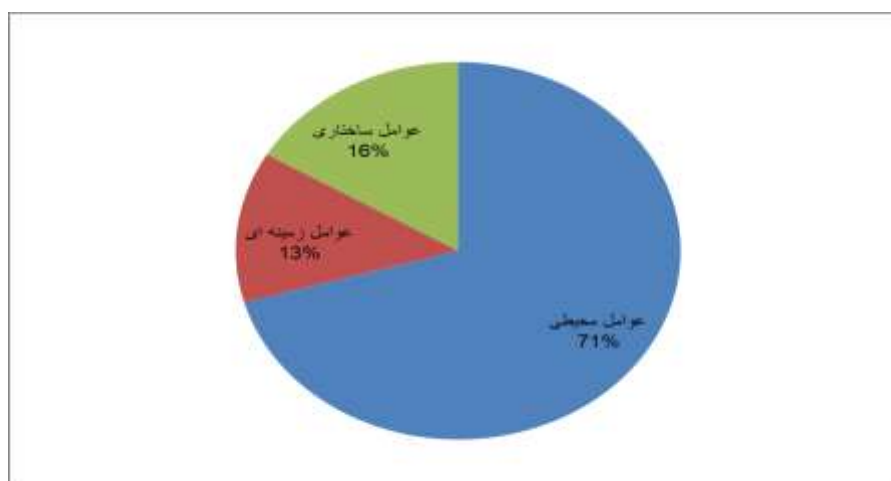
یافته‌ها

جدول (۴) تجزیه و تحلیل مفاهیم برکشیده شده از مقالات گزینش شده است. در این قسمت مفاهیمی که با یکدیگر اشتراک معنایی داشتند یکپارچه شدند و پس از آن در سطح انتزاعی تر و یک چتر کلی تر زیر مقوله جای گرفتند از این رو، برآیند این تفحص در ۳ مقوله اصلی و ۱۰ زیر مقوله و ۷۹ کد محوری تحلیل و دسته‌بندی شدند که پس از کمی سازی آن‌ها در غالب نمودار درصدی بازنمایی شدند (۱۳-۳۴).

جدول ۴: تجزیه و تحلیل محتوای مطالعات گزینش شده

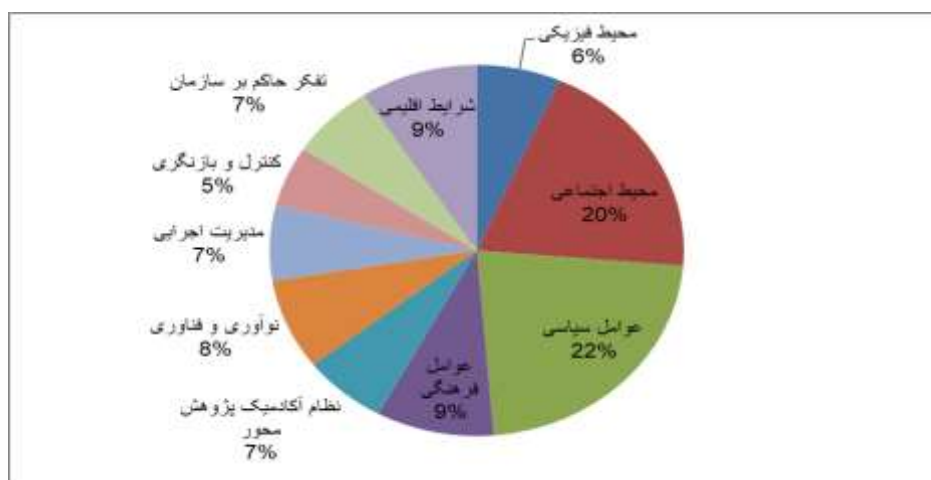
مفاهیم کلیدی	زیرمقوله	مقوله اصلی
عوامل محیطی	اقلیمی	حفظ و نگهداری از محیط زیست / استفاده از انرژی پاک / بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقلیمی هر منطقه / ارتقای ظرفیت‌های نوآورانه هوشی منطقه‌ای / توجه به توانایی‌های صنعتی منطقه / توجه به اکوسیستم باز یافت
	فیزیکی	نوسازی ساختمان‌های آموزشی / سرمایه‌گذاری در جهت تجهیز مدارس / بهره‌گیری از ظرفیت محیط فیزیکی مدارس / توجه به زیباسازی مدارس / صرفه‌جویی در مصرف انرژی
	اجتماعی	توجه به توسعه اجتماعی / مشارکت فعال / ارتقای نگرش اقتصادی / رشد و بهره‌وری نیروی انسانی / تشویق دانش آموزان در جهت توجه به دیدگاه اقتصادی / کاهش هزینه‌های سربار اجتماعی / ارتقای توانمندی نیروی انسانی / توجه ویژه به مهارت محوری / بهره‌گیری از نیروی تفکر اقتصادی نیروی انسانی / اجتناب از مدرک گرایی محض / تحکیم ارتباط دانشگاه و مدرسه / اجرای روش‌های نوین / توانمندسازی نیروی انسانی / آموزش مهارت‌های خاص
	سیاسی	سیاست‌گذاری مناسب در عرصه آموزش و پرورش / برنامه‌ریزی درست درسی / تمرکز بر مدیریت اجرایی / تصحیح نظام علی آکادمیک / تدوین برنامه آموزشی / برنامه‌ریزی راهبردی / ارتقای سطح مهارت محوری در برنامه‌ریزی / گسترش کمی و کیفی فرصت‌های آموزشی / تسهیل تعامل بین مدرسه و دانشگاه / سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی / بستر سازی و تشویق نوآوری‌های جدید / تشویق نیروی انسانی پژوهشگر / تسهیل تعامل بهره‌گیری از ظرفیت‌های میان مدرسه‌ای / تدوین چارچوب جامع آموزش و پرورش - صنعت - دولت / سرمایه‌گذاری کلان در جهت تجهیز مدارس کشور / بهره‌گیری از فکر اساتید برجسته اقتصاد کشور
	فرهنگی	مشارکت فعال / تربیت اقتصادی / حمایت از تولید داخل / بهره‌گیری از رسانه و اطلاع‌رسانی‌های مجازی / ترویج فرهنگ اجتماعی اقتصادی / توجه به باز یافت پسماندها / انتقال دانش به نسل جدید
عوامل زمینه‌ای	نظام پژوهش محور آکادمیک	ارتقای زیرساخت پژوهش محور / بهره‌گیری از پژوهش‌های روز دنیا / بررسی و استفاده از مطالعات تطبیقی تجارب کشورهای دیگر / توجه به تجزیه تحلیل‌های اقتصادی / توجه به نرخ اقتصاد
	نوآوری و فناوری	بستر سازی نوآوری و شکوفایی / بهره‌گیری تکنولوژی و تهیه زیرساخت مناسب / توجه به اختراع و ابداع / طراحی سیستم نوآوری / آموزش مهارت‌های فناورانه / برگزاری دوره‌های تخصصی نوآورانه
عوامل سازمانی	مدیریت اجرایی	توانمندسازی مدیران / توجه به مطالعه و دانش نیروی انسانی / توجه به مدل‌های ذهنی مدیران / توجه به برنامه چهارم توسعه / رعایت اعتدال /

کنترل و بازنگری	کنترل هزینه / اصلاح الگوهای آموزشی/تغییر نگرش های کلاسیک/ کنترل و ارزیابی نیروی انسانی/
تفکر حاکم بر سازمان	اتکای به خود/ قانون مداری / تخصص گرایی/ حرفه ای سازی / استقبال از نوآوری و فناوری های جدید

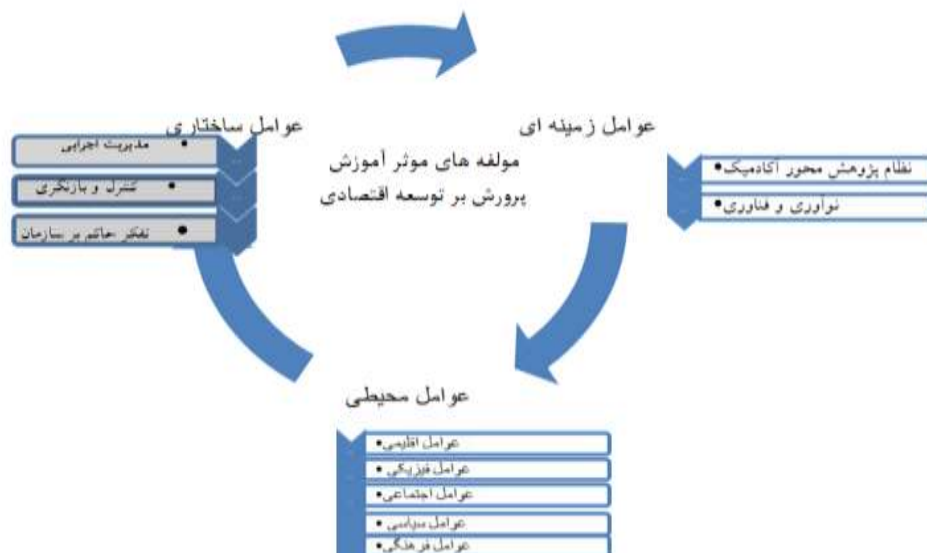


نمودار ۲. مفاهیم برکشیده شده در تجزیه و تحلیل مطالعات بر اساس مقوله

در نمودار ۲ مفاهیم مستخرج شده از مقالات و منابع معتبر منطق با مقوله اصلی به صورت درصدی به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۳. مفاهیم برکشیده شده در تجزیه و تحلیل مطالعات بر اساس زیر مقوله



شکل ۱. نمودار روند نما برای انتخاب آثار مناسب برای تحلیل

۳. یافته‌ها

پژوهش حاضر باهدف بررسی یافته‌های مقاله‌های داخلی و خارجی طراحی مدلی مناسب در حوزه مؤلفه‌ای مؤثر وزارت آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی کشور انجام شد که پیش از این خلأ انجام تحقیق در این زمینه مشاهده شده است. در این راستا از رویکرد فراترکیب استفاده شد. برای این منظور ۲۴ مقاله داخلی و خارجی پس از جست‌وجو و بررسی ارتباط عنوان، هدف، پرسش‌ها و روش‌های پژوهش انتخاب شدند. با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیودا متن این مقالات تحلیل و مفاهیم کلیدی برکشیده و پس از آن؛ زیر مقولات تشکیل شدند بر اساس یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های مؤثر آموزش و پرورش برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شد از آنجاکه پیدایش اقتصاد آموزش در دهه ۱۹۶۰ و توجه به نقش آموزش در رشد اقتصادی کشورها که پیوسته با فرازوفرودهایی در سیر تاریخی خود همراه بوده است؛ امروزه کمتر محقق و دانشوری اهمیت و نقش دانش در رشد اقتصادی را انکار می‌کند؛ لذا موجب شکل‌گیری دیدگاهی همگرا در این قلمرو شده است. البته همان‌گونه که شرح داده شد؛ اثرات منفی نیز از این ارتباط گزارش شده است که این ناهمگنی ناشی از به کارگیری روش‌های تحلیل متفاوت و زیرساخت‌های گوناگون هر زیست‌بوم است. پس از آن از اهمیت محیط آموزشی بر رشد اقتصادی به عنوان قلمرو نوینی که پا به

عرصه گذاشته است سخن به میان آمد، اگرچه این قلمرو مطالعاتی در سطح ملی و بین المللی مغفول مانده و اندک پژوهشگران در باب تأثیر و ماهیت آن قلم فرسایی کرده اند؛ چه بسا نقش مؤلفه های آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی را نمی توان نادیده گرفت. پیش از آن توجه به این ساحت در برنامه چهارم توسعه ملی مورد تأکید واقع شده است. و در بیانات رهبر معظم انقلاب در بازه ۱۳۹۶-۱۴۰۲ در نام گذاری به مناسبت سال نو پیوسته به محتوای اقتصاد تأکید ویژه شده است. لذا مجموعه عوامل ذکر شده و فقدان شغل مناسب و به مراتب وضعیت اقتصادی نامناسب برای جوانان تحصیل کرده در مجموعه سال های اخیر توجه و تمرکز بر بهره گیری از ظرفیت آموزش و پرورش که اولین و گسترده ترین و پایه ترین مرکز ارائه دانش و تحصیلات به کودکان و نوجوانان است بیش از پیش پررنگ تر شده است. اما با توجه به اهمیت موضوع در زمینه بهره گیری از ظرفیت های این محیط آموزشی در جهت توسعه اقتصاد در داخل و خارج کشور مورد غفلت قرار گرفته شده است و این پژوهش در پی پر کردن این خلأ پژوهشی تلاش نموده است تا مدل مفهومی جامعی از عوامل مؤثر استخراج شده از پژوهش های در دسترس ارائه دهد تا در سطح کلان؛ میانی و خرد مورد استفاده و راهگشا در جهت طراحی و تدوین برنامه نویسی باشد. دستاوردهای مدل مذکور در ۳ مقوله و ۱۰ زیر مقوله قرار گرفت. و بر اساس کمی سازی آن ها در غالب نمودار درصدی بازنمایی شدند که نتایج کمی سازی مفاهیم بر اساس مقوله به ترتیب عوامل محیطی، عوامل ساختاری و عوامل زمینه ای بیشترین سهم را در توسعه اقتصادی می باشند. همچنین بر اساس نتایج کمی سازی مفاهیم بر اساس زیر مقوله به ترتیب عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، شرایط اقلیمی، نوآوری، نظام آکادمیک پژوهش محور، مدیریت اجرایی، تفکر حاکم بر سازمان و کنترل و بازنگری بیشترین سهمیه را در توسعه اقتصادی دارند.

به طور کل در این مدل منظور از عوامل محیطی دربرگیرنده زیر مقوله شرایط اقلیمی، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، محیط سیاسی است که محیط سیاسی با سیاست گذاری مناسب و بهره گیری از محیط اجتماعی و محیط فیزیکی و بهره مندی از عوامل شرایط اقلیمی تواند در توسعه اقتصادی گام بردارد. مقوله عوامل ساختاری شامل ۳ زیر مقوله تفکر حاکم بر سازمان - کنترل و بازنگری - مدیریت اجرایی است. بنابراین در صورت اصلاح تفکر حاکم بر سازمان و ارتقای دیدگاه اقتصادی نیروی انسانی می توان در جهت توسعه اقتصادی گام نهاد و سرمایه گذاری بیشتری

در این زمینه شود. همچنین با مدیریت اجرایی درست در جهت کنترل و بازنگری انرژی سازمان در جهت توسعه اقتصادی کوشید. مقوله زمینه‌ای شامل ۲ زیر مقوله نوآوری و فناوری و نظام آکادمیک پژوهش محور است. با بهره‌گیری از نظام آکادمیک و نوآوری و فناوری در جهت پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی گام بردارد. لذا پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش با توجه به اهمیت وضعیت اقتصادی در جامعه در جهت اختصاص کتب در زمینه دانش عمومی اقتصاد برای دانش آموزان اهتمام ورزد و با بالا بردن دانش اقتصادی آن‌ها در جهت عملیاتی نمودن علم اقتصاد با ظرفیت‌های در دسترس آموزش و پرورش برای نیروی کار آینده زمینه‌ساز توسعه اقتصادی آینده کشور گردد.

در پایان بر اساس شواهد تجربی تحقیقات دانشگاهی در زمینه مؤلفه‌های آموزش و پرورش و رشد اقتصادی؛ با توجه با اینکه در بطن، پژوهش کاربردهای سیاستی و مدیریتی اجرایی برشمرده شده است به ارائه پیشنهادها و پژوهشی در این قلمرو پرداخته می‌شود؛ پرداختن و توجه بیشتر به انجام پژوهش‌های داخلی در زمینه تأثیر آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی؛ انجام مطالعات تطبیقی در این قلمرو بین کشور ایران و کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای؛ انجام مطالعاتی در قلمرو کارایی درونی تحقیقات دانشگاهی برای نمونه ارزیابی نرخ بازده تحقیقات دانشگاهی انجام مطالعات تطبیقی در قلمرو فرایندها و سازوکارهای سیاست‌گذاری پژوهشی در دنیا و ارائه درس‌هایی برای نظام آموزش عالی ایران؛ انجام مطالعاتی در راستای قانون مالکیت فکری و نهادینه‌سازی آن در نظام دانشگاهی جزء غیرقابل تفکیک و بستر ساز رشد تحقیقات دانشگاهی و مقابله با افزایش سرقت‌های علمی و پلاژ پارسم در نظام دانشگاهی ایران در جهت ترغیب پژوهشگران به تحقیق گسترده و عمیق‌تر در این زمینه حائز اهمیت است.

منابع

- رهبر معظم انقلاب، سخنرانی در دیدار با مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱.
- عدل طباطبایی، عبدالرضا. (۱۳۴۵). اصول علم اقتصاد؛ تهران، موسسه عالی حسابداری: ۶۵.
- دهقان پور، حامد، دهقانی زاده، حمیده. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مصرف گیاهان دارویی در شهر یزد از دیدگاه مردم. تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران ۳۰(۱): ۵۷-۶۷.
- اسمیت، آدام (۱۳۵۷). ثروت و ملل: ۱ ابراهیم‌زاده، سیروس، تهران، پیام.
- حاضری و حداد عادل، علی‌محمد و غلام علی. (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی سال چهارم آموزش متوسطه عمومی، تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۸۹). شورای عالی آموزش و پرورش.
- اسد پور، احمد علی. (۱۳۹۷). بررسی روابط میان آموزش و پرورش، پژوهش و توسعه اقتصادی پژوهش در نظام‌های آموزشی: ۸۸۵-۸۹۹.
- درگاهی، حسن و قدیری، ام‌الله. (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران (با مروری بر الگوهای رشد درون‌زا). پژوهشنامه بازرگانی، ۷(۲۶)، ۱-۳۳.
- سهرابی، بابک، امیر اعظمی و حمیدرضا یزدانی. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب، چشم‌انداز مدیریت دولتی ۲(۶).
- شریف‌زاده، فتاح و صدقی، جواد. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر. مطالعات مدیریت، ۱۹(۵۹).
- صادقی، مسعود و عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۲). برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۸۰. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵(۱۷): ۷۹-۹۸.
- صالحی محمدجواد. اثرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ۱۳۸۱؛ ۸(۱): ۷۴-۴۳.
- علمی، زهرا (میلا) و جمشید نژاد، امیر. (۱۳۸۶). اثر آموزش بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۸۲. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۷(۲۶) (ویژه اقتصاد)، ۱۳۵-۱۵۴.

- کمیجانی، اکبر و معمار نژاد، عباس. (۱۳۸۳). اهمیت کیفیت نیروی انسانی و R&D (تحقیق و توسعه) در رشد اقتصادی ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۸(۳۱)، ۱-۳۱.
- موسوی جهرمی، یگانه. (۱۳۷۴) توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- محمودی، احمد، هنری، حبیب، یونسی، جلیل، & شهلائی باقری، جواد. (۱۳۹۷). کاوش عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بروز فساد در صنعت فوتبال ایران. نشریه مدیریت ورزشی؛ ۱۰(۴): ۶۶۱-۶۸۵.
- نوروزی فرد محمد؛ زمانی علی. (۱۳۹۵). مدیریت اثربخش از طریق شناخت چالش‌ها و ظرفیت‌های منابع انسانی سازمان ۳۹۵-۴۱۵.
- نیلی، مسعود، نفیسی، شهاب. (۱۳۸۲). رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار مورد ایران سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۷۹. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵(۱۷): ۱-۳۱.
- هوشمند، محمود، شعبانی، محمدعلی و ذیحی، اعظم. (۱۳۸۷). نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی. اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی)، ۵(۲): ۶۳-۸۳.
- Briguglio, L. & Stephen, P. (2011). Growth and Resilience in East Asia and the Impact of the Global Recession. Available at: <http://www.um.edu.mt>
- Schultz, T. W. (1960). Capital formation by education. Journal of political economy, 68(6), 571-583.
- Romer, P.M. (1986). "Increasing returns and long-run growth". The Journal of Political Economy, 94(5), 1002-1037.
- Tamura, R. (1991). Fertility, Human Capital and the "Wealth of Nations" (No. 91-17).
- Mercan, M., & Sezer, S. (2014). The effect of education expenditure on economic growth: The case of Turkey. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 109, 925-930.
- Benos, N., & Zotou, S. (2014). Education and economic growth: A meta-regression analysis. World Development, 64, 669-689.
- Ansari, A. (2014). The partnership education in the realization of resistive economy: The media teachers. Zemzemeh, 132, 15. (Persian).
- Barro, R.J. & X. Sala-i-Martin. (1999). Economic Growth. Chapter 4: 153-170.
- Frauke. D. W. (2013). Resilience: A Trojan horse for a new way of thinking? European Center for Development Policy Management, 7, 51-62.

- Mankiw, N.G., D. Romer & D.N.Weil. (1992). A Contribution to the Empirics of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 3541:407-437.
- Martin, M. & A. Herranz. (2004). Human Capital and Economic Growth in Spanish Regions. *IAER*. 10(4): 249-256.
- Mercan, M., & Sezer, S. (2014). "The effect of education expenditure on
- Narayan, P.K. & R.L. Symath. (2004). Causality between Human Capital and Real Income in Cointegrated VAR Processes: Empirical Evidence from china (1960-1999). *International Journal of Business and Economics*, 3: 1-11.
- van Bergeijk, P. A., Brakman, S., & van Marrewijk, C. (2017). Heterogeneous economic resilience and the great recession's world trade collapse. *Papers in regional science*, 96(1), 3-12.
- Zimmer, L. (2006), "Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts", *Journal of Advanced Nursing*, vol. 53, no. 3.